

Comparison of the conceptual metaphor of the moral vice of “injustice” in Middle Persian and Dari Persian texts (case comparison: “*Menog i xrad*” and “*Golestan-e Saadi*”)

Anahita Partovi

Researcher (Ph. D) in Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies,
Tehran, Iran. Email: anahitapartovi@yahoo.com

Abstract

Menog i xrad is a text entry in Middle Persian language and includes answers that the fictional character "Dana" asks from *Menog i xrad*. *Golestan-e Saadi* is a book written by Saadi. The purpose of the present research, which was carried out in a descriptive-analytical way, is to answer the question of what are the primary areas of the concept of metaphor "injustice" in these two texts based on the theory of "contemporary metaphor" and what is the result of comparing them with each other. The findings of this research, considering the way “Injustice” is conceptualized, can somewhat clarify the difference between the concept of “Injustice” in the human thought in these two books, due to the difference in the philosophical, social, political and moral view of the two periods of Iran (pre-Islamic and Iran of 7th Hijri). 8 name mappings: action, power, fault, object, lesson, material, prison and job for the concept of "injustice" found in two texts. The name mappings of action and power with frequency difference were common in both texts. “Injustice” as a defect was observed only in the *Menog i xrad* and “Injustice” as an object, lesson, subject, prison and job only in *Golestan-e Saadi*. It seems that the functioning of Iran's social life was less complicated in the era when the *Menog i xrad* was compiled and the government structure was less complicated. In fact, it has presented itself less in the form of government structures such as "prison" and people with governmental position and as "jobs".

Keywords: *Mēnōg-i-xrad*, *Golestan-e Saadi*, injustice, name-of-mapping, conceptual metaphor

Receive Date: 01 January 2025	Revise Date: 31 March 2025	Accept Date: 06 April 2025
How to Cite: Partovi, A. (2024). Comparison of the conceptual metaphor of the moral vice of “injustice” in Middle Persian and Dari Persian texts (case comparison: “ <i>Menog i xrad</i> ” and “ <i>Golestan-e Saadi</i> ”). <i>Journal of Ancient Culture and Languages</i> , 5(1), 29-50.		
Publisher: Yadegare Bastan Research Center for Ancient Culture and Languages		

مقایسه استعاره مفهومی رذیلت اخلاقی «ستم» در متون فارسی میانه و فارسی دری (مقایسه موردی: مینوی خرد و گلستان سعدی)

آناهیتا پرتوی

پژوهشگر(کارشناس مسئول) پژوهشکده زبان شناسی، دکترای زبان شناسی، پژوهشگاه
علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. anahitapartovi@yahoo.com

چکیده

مینوی خرد متنی اندرزی به زبان فارسی میانه و شامل پاسخ‌هایی است که شخصیت خیالی «دانا» از مینوی خرد می‌پرسد. گلستان سعدی، کتابی منثور مشتمل بر دیباچه و هشت باب به قلم سعدی است. هدف از پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، پاسخ به این پرسش است که مفهوم «ستم» در این دو متن بر اساس نظریه «استعاره معاصر» چه حوزه‌های مبدایی را داریند و نتیجه مقایسه آنها با یکدیگر چیست و چه تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد. یافته‌های این پژوهش، می‌تواند با در نظر گرفتن چگونگی مفهوم‌سازی ستم، در دو متن مذکور تا حدودی روشن‌تر تفاوت مفهوم «ستم» در اندیشه بشری در این دو کتاب به واسطه تفاوت منظر فلسفی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی در دو دوره ایران پیش از اسلام و ایران قرن هفتم هجری قمری باشد. ۸ نام‌نگاشت: عمل، نیرو، عیب، شیء، درس، ماده، زندان و شغل برای مفهوم «ستم» در دو متن یافت شده است. نام‌نگاشت‌های عمل و نیرو با تفاوت بسامد، در هر دو متن مشترک بود. ستم به عنوان، عیب فقط در مینوی خرد و ستم به عنوان شیء، درس، ماده، زندان و شغل فقط در گلستان سعدی مشاهده شدند. به نظر می‌آید کارکرد حیات اجتماعی ایران در دورانی که مینوی خرد تدوین شده و نیز ساختار حکومتی در آن دوران از پیچیدگی کمتری برخوردار بوده و در واقع کمتر خود را در قالب ساختار حکومتی مانند «زندان» و افراد دارای مناسب حکومتی و به عنوان «شغل» ارائه کرده است.

واژگان کلیدی: مینوی خرد، گلستان سعدی، ستم، نام‌نگاشت، استعاره مفهومی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱/۱۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۱۷
استناد به این مقاله: پرتوی، آ. (۱۴۰۳). مقایسه استعاره مفهومی رذیلت اخلاقی «ستم» در متون فارسی میانه و فارسی دری (مقایسه موردی: مینوی خرد و گلستان سعدی). پژوهشنامه فرهنگ و زبان‌های باستان، ۵(۱)، ۲۹-۵۰.		
ناشر: مؤسسه پژوهشی فرهنگ و زبان‌های باستانی یادگار باستان		

۱. مقدمه

د/دستان مینوی خرد (احکام و آراء ذات عقل) یا مینوی خرد کتابی است به زبان پهلوی (فارسی میانه) شامل یک مقدمه و ۶۲ پرسش که هر یک با سؤالی از «دانا» آغاز می‌شود و «مینوی خرد» [مینو به معنی «ذات» و «اصل» و «باطن»] (دالوند، ۱۳۹۹، ص. ۲۶) به آن پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. مینوی خرد مثل دیگر کتب کهن ایرانی منبع پند و اندرز است. گلستان نوشته شاعر و نویسنده پروازة ایرانی سعدی شیرازی است. به باور بسیاری، گلستان تأثیر گذارترین کتاب نثر در ادبیات فارسی است که به نثر مسجع (آهنگین) با یک دیباچه و هشت باب به نثر نوشته شده است. بیشتر نوشته‌های آن کوتاه و به شیوه داستان‌ها و پندهای اخلاقی و اندرزی و در ۶۵۶ هجری قمری، نگاشته شده است (مصاحب، ۱۳۵۶، ص. ۲۴۵۸).

در پژوهش حاضر سعی می‌شود، با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی استعاره مفهومی ستم در دو متن مینوی خرد و گلستان سعدی پرداخته شود. در ادامه پس از شرح استعاره و مفاهیم مطرح در این حوزه، استعاره ستم در این دو متن، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. طرح مسئله

هدف از این پژوهش بررسی استعاره‌های مضمون اخلاقی «ستم» در دو اندرزنامه مینوی خرد (اندرزنامه پیش از اسلام) و گلستان سعدی (اندرزنامه دوران اسلامی) با رویکرد شناختی است. زبان شناسی شناختی جایگاه ویژه‌ای در علوم شناختی دارد چرا که در این علم از طریق زبان به بررسی کارکردهای شناختی و فرآیندهای پنهان ذهن پرداخته می‌شود. لیکاف و جانسون^۱ (۲۰۰۳) با کشف نظام گسترده‌ای از استعاره‌های روزمره و متعارف امکان ایجاد نظریه معاصر استعاره را فراهم ساختند که در آن تفکر و ذهن دارای ماهیت استعاری است. در این قالب مفهوم‌سازی یک حوزه از تجربه در قالب حوزه‌ای دیگر بیان می‌شود، یعنی ذهن انسان مفاهیم انتزاعی (حوزه مقصد) را با بهره‌گیری از مفاهیم عینی (حوزه مبداء) درک می‌کند.

در این پژوهش روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است. یافته‌های این پژوهش، می‌تواند با در نظر گرفتن چگونگی مفهوم‌سازی ستم، در دو متن مینوی خرد و گلستان سعدی بیانگر شیوه نگارنده یا نگارندگان

¹ Lakoff and Johnson

مینوی خرد (پیش از اسلام) و نگارنده *گلستان* (دوران اسلامی) به این ردیلت اخلاقی باشد و یا شاید روشنگر تفاوت مفهوم «ستم» در اندیشه بشری در این دو کتاب به واسطه تفاوت منظر فلسفی یا اجتماعی یا سیاسی و اخلاقی در دوره ایران پیش از اسلام و ایران قرن هفتم هجری قمری باشد.

۳. پیشینه تحقیق

فضالی و ابراهیمی (۱۳۹۳) تحقیقی با هدف بررسی چگونگی مفهوم‌سازی «غم» در اشعار مسعود سعد سلمان انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که وجود چنین استعاره‌های خلاقانه‌ای به دلیل محیط زندان بوده که باعث شده است شاعر در خلوت خود تفکرات ژرفی درباره محیط پیرامون خود و احساسات درونی خود داشته باشد؛ احساساتی که نمودار ناب‌ترین حالات درونی اویند. مرادی و پیرزاد (۲۰۱۳) مفهوم «خشم» را در دو زبان انگلیسی و فارسی، که از نظر رده‌شناختی متفاوت‌اند، طبق نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) مورد توجه قرار داده و توانسته‌اند این نتیجه را بگیرند که سه حوزه مبدأ «تغییر حالت»، «تغییر نگاه» و «بی‌تابی» را می‌توان در یک حوزه مبدأ تغییر فیزیکی گنجانند. ملکیان و ساسانی (۱۳۹۳) مفهوم‌سازی «خشم» را در زبان فارسی به کمک سازوکار شناختی استعاره بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که بیشتر استعاره‌ها واکنش احساسی حاصل از بروز حس خشم را بازنمایی می‌کنند. علاوه بر این، تأثیر باورهای فرهنگی را در انتخاب حوزه‌های مبدأ مختلف در جوامع گوناگون و حتی درون یک جامعه می‌توان مشاهده کرد. قاسمی (۱۳۹۴) به بررسی استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های تصویری واژه «غم» در اشعار فریدون مشیری پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که فریدون مشیری بدن خود را مظهر غم تصور کرده و او این احساس را مانند مسیری می‌داند که وی در طول زندگی این مسیر را طی می‌کند. مولودی، کریمی دوستان و بی‌جن‌خان (۱۳۹۴) به بررسی مفهوم‌سازی استعاره «خشم» در زبان فارسی بر اساس نظریه استعاره مفهومی (۱۹۸۰) و دستاوردهای مطالعات در زمانی و درون فرهنگی و قومی به ویژه کووچش (۲۰۱۰) پرداخته و تغییرات تاریخی استعاره‌های مفهومی در حوزه مبدأ، مقصد و نگاشت‌ها را از متن کتاب *سمک عیار* قرن ششم هجری عنوان کرده‌اند. در این تحلیل عواطفی چون شادی، خشم، غم، شرم، ترس، عشق، حیرت، نگرانی و درد با حوزه‌های مبدأ نگاشت شدند و پس از بررسی تطبیقی مفهوم‌سازی خشم بین دو زبان انگلیسی و فارسی مشخص نمودند که بسیاری از

حوزه‌های مبدأ پرتکرار در دو زبان مشترک‌اند و برخی نیز فقط در زبان فارسی مشاهده می‌گردند که دلیل برخی از این تفاوت‌ها، مشخصه‌های فرهنگی مربوط به این دو زبان است. قوچانی، افراشی و عاصی (۱۳۹۵) به بررسی استعاره‌های مفهومی «ترس» با رویکردی شناختی و پیکره‌ای پرداخته‌اند و از تحلیل داده‌ها مشخص شد که حوزه‌های مبدأ «ماده»، «نیرو» و «حرکت» که پربسامدترین نام‌نگاشت آن مربوط به فعل حرکتی لرزیدن بود، بیشترین فراوانی را در مفهوم‌سازی حوزه «ترس» نزد فارسی‌زبانان دارند. ثقفی (۱۳۹۶) در رساله دکتري خود، به راهنمایی و مشاوره عاصی و افراشی، مفهوم شجاعت در زبان فارسی در طول زمان را تحلیل نموده‌اند. ایشان نتیجه گرفتند که حوزه‌های مبدأ پربسامد مفهوم‌سازی شجاعت در زبان فارسی عبارت‌اند از: نیرو، مسیر، جنگ و ماده. از دستاوردهای مهم پژوهش حاضر آن است که در هیچ‌یک از بازه‌های زمانی مورد نظر، حوزه مبدأ جنگ، حوزه مبدأ کانونی شجاعت محسوب نمی‌شده، بلکه به‌صورت نهفته باقی مانده است. شریفی‌مقدم، آزادیخواه و ابوالحسنی‌زاده (۱۳۹۶) به بررسی و مقایسه استعاره‌های مفهومی شادی و غم در سروده‌های شاعره معاصر، پروین اعتصامی (۱۲۸۵-۱۳۲۰)، پرداخته‌اند. نگارندگان نتیجه گرفته‌اند که شباهت بین دو حوزه احساس، علاوه بر استفاده مشترک از استعاره‌های وجودی (شامل جسمی‌شدگی و تشخیص) و نیز استعاره‌های جهتی (طرحواره‌های جهت)، در حوزه‌های مبدأ مشترک شامل زمان، مکان و سلامتی نیز شباهت‌های چشمگیری دارد. همچنین بین استعاره‌های به کار رفته در پیکره پژوهش و فهرست جهانی، شباهت‌ها به مراتب بیش از تفاوت‌ها بوده که خود نمایانگر بعد همگانی تفکر استعاری است. حسین قاسمی، محمد عارف‌امیری، نادیا حاجی‌پور و آناهیتا پرتوی (۱۳۹۶) در مقاله «استعاره مفهومی "غم" در اشعار ملاعلی‌فاخر» به بررسی استعاره مفهومی غم در اشعار ملاعلی‌فاخر پرداخته‌اند. سراج و محمودی بختیاری (۱۳۹۷) با رویکرد شناختی به بررسی استعاره‌های مفهومی اخلاق در شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند. داده‌های این تحقیق، نشان می‌دهد که فردوسی از حوزه‌های مبدأ انسان، شیء، ساختمان، روشنایی و تاریکی، جهت‌های بالا و پایین، لباس، آب، سفر و شغل برای عینی‌تر کردن مفاهیم اخلاقی در شاهنامه استفاده کرده است. کوشکی (۱۳۹۸) در رساله دکتري خود، به راهنمایی و مشاوره عاصی و افراشی، به بررسی روند مفهوم‌سازی «عشق و نفرت» بر مبنای دو پیکره تاریخی و معاصر داده‌های زبان فارسی پرداخته‌اند. پرتوی، سعادت‌نی‌ا و حاجی‌پور (۱۳۹۸) در مقاله «استعاره‌های مفهومی غم در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه» به بررسی استعاره غم در اشعار ملاعلی‌فاخر و

مسعود سعد سلمان پرداخته‌اند و به عنوان نتیجه‌گیری مطرح نمودند که «غم» در گزیده «مرثیه» انسانی سر به گریبان است ولی در «حبسیه» مونس و غم خوار انسان است. رستم‌بیک و عارفامیری (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل انتقادی استعاره عشق در ترانه‌های فارسی: رهیافتی پیکره‌ای» چگونگی طبقه‌بندی استعاره مفهومی عشق در گفتمان ترانه‌های عاشقانه و اجتماعی مورد بررسی قرار داده و به تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، اشاره کرده‌اند؛ نگارندگان از انجام آزمون آماری یومان ویتنی بر داده‌های پژوهش دریافتند که تفاوت رخ داد استعاره‌های [عشق سوزاننده، انگیزه و سفر گیاه است] و نیز کلید استعاری [عشق وحدت است]، در دو گفتمان در سطح معنادار $P < 0.05$ است؛ به گونه ای که در ترانه‌های عاشقانه، مفهوم‌سازی عشق برای توجه به روابط فردی صورت گرفته است، در حالی که در ترانه‌های اجتماعی مفهوم سازی عشق، متأثر از جنبه‌های اجتماعی بوده است. پرتوی، قاسمی و باقرزاده کاسمانی (۱۴۰۰ الف) در مقاله «تحلیل استعاره نیکی در مینوی خرد و گلستان سعدی، با رویکرد شناختی» به بررسی استعاره نیکی در دو متن پیش از اسلام و دوران اسلامی پرداخته‌اند و مطرح نمودند که شاید وجود نام‌نگاشت [نیکی موهبت است] در مینوی خرد، نشان از تفکر تقدیرگرایی زروانی رایج در اواخر دوره ساسانی داشته باشد. همچنین شاید بسامد بالای نام نگاشت [نیکی عمل است] در گلستان، نشان از عملگرایی نگارنده گلستان دارد. پرتوی، قاسمی و باقرزاده کاسمانی (۱۴۰۰ ب) در مقاله دیگری با عنوان «مقایسه استعاره مفهومی دشمنی در متون فارسی میانه و فارسی دری (مقایسه موردی: مینوی خرد و گلستان سعدی)» به بررسی رذیلت اخلاقی دشمنی در دو متن مینوی خرد و گلستان سعدی پرداخته‌اند. نگارندگان در این مقاله به این نتیجه رسیده‌اند که وجود ۷۵٪ رخداد «دشمنی عمل است»، در گلستان سعدی، شاید دلالت بر عملگرایی بودن نویسنده این اثر دارد که دشمنی را پیش از هر نام نگاشت دیگری یک عمل می‌داند. پرتوی (۱۴۰۲) در مقاله «مقایسه استعاره مفهومی فضیلت اخلاقی راستی در متون فارسی میانه و فارسی دری (مقایسه موردی: مینوی خرد و گلستان سعدی)» با مقایسه استعاره مفهومی فضیلت اخلاقی راستی در مینوی خرد و گلستان سعدی به این نتیجه دست یافته است که در مینوی خرد بیشترین تأکید بر وجه فرهنگی گفتمان بوده در حالی که در گلستان بیشتر بر وجه تمدنی گفتمان تأکید شده است، البته نویسنده خاطر نشان ساخته که این دو وجه هیچ ارجحیتی بر یکدیگر ندارند و تنها نشان از اهمیت فضیلت اخلاقی «راستی» در ایران پیش از اسلام و دوران اسلامی دارد.

مقایسه استعاره مفهومی ردیلت اخلاقی «ستم» در متون فارسی میانه و فارسی دری ۳۵

با توجه به بررسی پیشینه پژوهش در حوزه استعاره مفهومی، انجام پژوهش استعاره مفهومی «ستم» بر روی متون اندرزی و مقایسه یک متن کهن منثور اندرزی پیش از اسلام به زبان فارسی میانه (مینوی خرد) با یک متن منثور اندرزی دوران اسلامی (گلستان سعدی) از نوآوری‌های پژوهش حاضر است.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی و داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده است. برای برگردان فارسی متن پهلوی مینوی خرد از ترجمه دکتر (تفضلی، ۱۳۵۴) استفاده شده است. هدف از پژوهش حاضر مقایسه استعاره مفهومی ستم در یک متن فارسی میانه یعنی مینوی خرد و یک متن فارسی یعنی گلستان سعدی است و قصد دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که مفهوم «ستم» در این دو متن بر اساس نظریه «استعاره معاصر» دارای چه حوزه‌های مبدایی است و نتیجه مقایسه آنها با یکدیگر چیست و چه تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد.

برای مقایسه و تحلیل، تمامی نام نگاشت‌های مفهوم ستم، در دو متن، استخراج شدند. ۳ نام نگاشت در مینوی خرد و ۷ نام نگاشت در گلستان سعدی در مورد ستم یافت شد.

۵. مبانی نظری

معنی‌شناسی شناختی: اصطلاح «معنی‌شناسی شناختی» نخستین بار از سوی لیکاف مطرح شد. بر اساس این نگرش، دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست. لیکاف برخلاف افرادی چون فودور و چامسکی، رفتار زبانی را بخشی از استعداد‌های شناختی انسان می‌داند؛ استعدادهایی که برای آدمی امکان یادگیری، استدلال و تحلیل را فراهم می‌آورند. در این دیدگاه، «دانش زبانی بخشی از شناخت عام آدمی است» (صفوی، ۱۳۸۳، ص. ۳۲).

در معنی‌شناسی شناختی، معنی بر ساخت‌های تصویری و مفهومی قراردادی استوار است؛ از این رو ساخت معنی، مانند سایر حوزه‌های شناختی، بازتاب «مقوله ذهنی» است که افراد در حین رشد از تجربه‌ها و اعمال خود به آن شکل می‌دهند. در ادبیات، از منظر معنی‌شناسی شناختی، ساخت‌ها و فرآیندهای تصویری زیادی شناسایی شده‌اند، اما به استعاره توجه ویژه‌ای شده است (Saeed, 1997, p. 12).

به اعتقاد لیکاف و جانسون (1980, p. 8) شناخت حوزه‌های مفهومی ذهنی، مبنایی استعاری دارد و نظام مفهومی محصول عملکرد مفهوم‌سازی استعاری است. این نظام مفهومی دارای نقش اصلی در تبیین واقعیات روزمره زندگی است و از آنجا که این نظام ساختاری استعاری دارد، شیوه اندیشیدن، تجربه اندوختن و عمل کردن ما نیز زیربنای استعاری دارد (افراشی، ۱۳۹۵، ص. ۶۶). استعاره از دید ایشان صرفاً ابزاری برای تصویرسازی‌های شاعرانه و نوعی آرایه ادبی نیست، بلکه جوهره اصلی استعاره تجربه و فهم یک چیز به وسیله چیزی دیگر است (Lakoff, & Johnson, 1980, pp. 3, 5). لیکاف و جانسون معتقدند از آنجا که مفاهیم و فعالیت‌های (کنش‌های) ما به صورتی استعاری ساختار یافته اند در نتیجه زبان ما نیز به شیوه‌ای استعاری ساختار یافته است. ما به ندرت از استعاره‌های از پیش انگاشته شده در کاربرد روزمره زبان‌مان آگاهی داریم؛ این استعاره‌ها صرفاً درون واژه‌هایی که به کار می‌بریم وجود ندارند، بلکه در مفاهیمی که به صورت روزمره از آنها استفاده می‌کنیم نیز حضور دارند. ما در مورد یک چیز به شیوه‌ای خاص صحبت می‌کنیم زیرا در واقع آن را به همان صورت تصور می‌کنیم و این فرایند به همین صورت دست‌به‌دست می‌شود تا به شیوه عملکرد ما می‌رسد (Lakoff, & Johnson, 1980, pp. 5-7).

استعاره‌های مفهومی سازوکارهایی ذهنی‌اند و همگی آنها باز نمود زبانی نمی‌یابند، بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و رسوم و نمادها نیز ظاهر می‌شوند (Kovecses, 2010, p. 63).

کووچس نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون را به این صورت خلاصه کرده است:

۱. استعاره خاصیتی مربوط به مفاهیم است و نه واژه‌ها
۲. نقش استعاره فهم بهتر مفاهیمی خاص است و نه صرفاً آفرینش‌های ادبی و زیبایی‌شناختی
۳. استعاره‌ها اغلب بر مبنای شباهت به وجود نیامده‌اند
۴. استعاره، روزانه و بدون صرف زحمت، توسط افراد عادی به کار گرفته می‌شود و نه فقط توسط افرادی با استعدادها و ویژه
۵. استعاره به جای آنکه نوعی زینت زبانی زائد باشد، نوعی فرایند گریزناپذیر تفکر و استدلال انسان است (Kovecses, 2010, p. 62).

موضوع قابل توجه در پژوهش معناشناسان شناختی به تحقیق درباره استعاره باز می‌گردد. در پژوهش‌هایی نظیر لیکاف و جانسون، بر این نکته تأکید شده است که استعاره، عنصری بنیادین در

مقوله‌بندی ما از جهان خارج و فرایندهای اندیشیدن ماست و به ساخت‌های بنیادین دیگری از قبیل «طرحواره‌های تصویری» یا «فضاهای ذهنی» و جز آن مربوط می‌شود (صفوی، ۱۳۸۳، ص. ۵۳).

نظریه استعاره معاصر معتقد است که استعاره‌ها شباهت ایجاد می‌کنند و این برخلاف نظریه سنتی استعاره یا همان نظریه مقایسه است. نظریه مقایسه مدعی است که الف- استعاره‌ها مسائلی زبانی‌اند و نه مرتبط با تفکر یا عمل. ب- استعاره الف، ب است، عبارتی زبانی است و در واقع مثل این است که بگوییم الف، شبیه ب است. ج- استعاره تنها به توصیف شباهت‌های از پیش موجود می‌پردازد و خود سازنده شباهت نیست. اما نظریه معاصر استعاره معتقد است که الف- استعاره عمدتاً مربوط به تفکر و عمل است و تنها از نظر اشتقاق مسئله‌ای زبانی است، ب- استعاره‌ها می‌توانند بر پایه شباهت‌ها باشند، هر چند در بسیاری موارد شباهت‌ها خود بر مبنای آن نوع استعاره‌های قراردادی‌اند که بر مبنای شباهت شکل نگرفته‌اند. ج- وظیفه اصلی استعاره فراهم نمودن درک نسبی از یک نوع تجربه بر اساس نوع دیگر تجربه است. این امر ممکن است مستلزم شباهت‌های مجزای قبلی یا بر اساس شباهت‌های جدید باشد (Lakoff, & Johnson, 1980).

نگاشت، مفهوم اصلی در نظریه استعاره‌های مفهومی است. این اصطلاح از ریاضیات به زبان‌شناسی وارد شده است و به تناظرهای نظام‌مندی دلالت می‌کند که میان برخی حوزه‌های مفهومی وجود دارد. لیکاف الگوهای ثابتی نظیر [عشق سفر است] را نام‌نگاشت می‌نامد، که در واقع باز نمود زبانی فرایند ذهنی استعاره است و نگاشت را مجموعه‌ای از تناظرهای موجود بین دو طرف استعاره می‌داند (افراشی، ۱۳۹۵، صص. ۶۷ و ۶۸). نام‌نگاشت [عشق سفر است] از حوزه مقصد عشق، حوزه مبدأ سفر و نگاشت مفاهیم حوزه سفر بر مفاهیم حوزه عشق تشکیل شده است. به این ترتیب با توجه به گفته لیکاف (Lakoff, 1993, p. 212) مبنی بر اینکه: «هر نگاشت الگویی ثابت از تناظرهای مفهومی بین دو حوزه مبدأ و مقصد است» در این استعاره یک تناظر نظام‌مند و هستی‌شناختی بین آنچه در حوزه مقصد است با آنچه در حوزه مبدأ است وجود دارد.

۶. بحث و بررسی

ستم به طور کلی در فرهنگ لغت، به صورت‌های مختلفی معنا شده است؛ در فرهنگ معین به صورت آزار، اجحاف، بیداد، بیدادگری، تطاول، تعدی، جبر، جفا، جور، ظلم و مظلومه و در مقابل مهر، آورده

شده است. ستم مفهومی است که هم از منظر فلسفی و هم از منظر اجتماعی، سیاسی و اخلاقی در اندیشه بشری و در متون نگاشته شده (به جا مانده) از فعالیت فکری آدمی عنوان گردیده است. تعریف و درک و فهم مفهوم ستم بسته به اینکه نخست، در چه دوره تاریخی و افق تاریخی و بر اساس کدام گفتمان مطرح شده و دوم، از این منظر که با توجه به اینکه از کدام وجه از این امر یعنی وجه سیاسی یا وجه اجتماعی و جز این، تاحدودی تفاوت داشته است. اما به طور کلی به نظر می رسد که ستم به مثابه امری مذموم انگاشته می شده است، اما نوع تلقی از مفهوم ستم و نحوه ظهور آن بسته به عالم و افق تاریخی و شرایط اجتماعی که وجود داشته، تفاوت‌هایی پیدا کرده است. در زیر به بررسی مفهوم ستم و استعاره مفهومی آن در مینوی خرد و گلستان سعدی پرداخته می شود.

در پهلوی واژه‌های 'stahm/ stahmīh'، 'awīštāb'، 'staffīh'، 'sāstārīh'، 'must' در معنی ستم، ظلم و جور آمده است. ولی در متن مینوی خرد از میان این واژه‌ها، تنها stahm در معنای ستم آمده است.

برای مقایسه و تحلیل، تمامی نام نگاشت‌های مفهوم ستم، در دو متن، استخراج شدند. ۳ نام نگاشت در مینوی خرد عبارت بودند از: [استم عمل است]، [استم نیرو است]، و [استم عیب است] و ۷ نام نگاشت در گلستان سعدی عبارت بودند از: [استم عمل است]، [استم نیرو است]، [استم شیء است]، [استم درس است]، [استم ماده است]، [استم زندان است] و [استم شغل است]. (نمودار ۱-۸ و ۲-۸). نام نگاشت‌های شیء و عمل با تفاوت بسامد در هر دو متن مشترک بود. [استم عیب است] فقط در مینوی خرد و [استم شیء است]، [استم درس است]، [استم ماده است]، [استم زندان است]، [استم شغل است] فقط در گلستان سعدی مشاهده شدند. (نمودار ۳-۸، ۴-۸ و ۵-۸).

۱-۶. ستم در مینوی خرد

۳۵/۲۳: و بیستم کسی که برای تصاحب مال دیگران ستم کند.

ستم کند، عمل است.

۱) ۶۱ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۷۲ ۱۷۳ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۸۴ ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۹۱ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰ ۲۰۱ ۲۰۲ ۲۰۳ ۲۰۴ ۲۰۵ ۲۰۶ ۲۰۷ ۲۰۸ ۲۰۹ ۲۱۰ ۲۱۱ ۲۱۲ ۲۱۳ ۲۱۴ ۲۱۵ ۲۱۶ ۲۱۷ ۲۱۸ ۲۱۹ ۲۲۰ ۲۲۱ ۲۲۲ ۲۲۳ ۲۲۴ ۲۲۵ ۲۲۶ ۲۲۷ ۲۲۸ ۲۲۹ ۲۳۰ ۲۳۱ ۲۳۲ ۲۳۳ ۲۳۴ ۲۳۵ ۲۳۶ ۲۳۷ ۲۳۸ ۲۳۹ ۲۴۰ ۲۴۱ ۲۴۲ ۲۴۳ ۲۴۴ ۲۴۵ ۲۴۶ ۲۴۷ ۲۴۸ ۲۴۹ ۲۵۰ ۲۵۱ ۲۵۲ ۲۵۳ ۲۵۴ ۲۵۵ ۲۵۶ ۲۵۷ ۲۵۸ ۲۵۹ ۲۶۰ ۲۶۱ ۲۶۲ ۲۶۳ ۲۶۴ ۲۶۵ ۲۶۶ ۲۶۷ ۲۶۸ ۲۶۹ ۲۷۰ ۲۷۱ ۲۷۲ ۲۷۳ ۲۷۴ ۲۷۵ ۲۷۶ ۲۷۷ ۲۷۸ ۲۷۹ ۲۸۰ ۲۸۱ ۲۸۲ ۲۸۳ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۷ ۲۸۸ ۲۸۹ ۲۹۰ ۲۹۱ ۲۹۲ ۲۹۳ ۲۹۴ ۲۹۵ ۲۹۶ ۲۹۷ ۲۹۸ ۲۹۹ ۳۰۰ ۳۰۱ ۳۰۲ ۳۰۳ ۳۰۴ ۳۰۵ ۳۰۶ ۳۰۷ ۳۰۸ ۳۰۹ ۳۱۰ ۳۱۱ ۳۱۲ ۳۱۳ ۳۱۴ ۳۱۵ ۳۱۶ ۳۱۷ ۳۱۸ ۳۱۹ ۳۲۰ ۳۲۱ ۳۲۲ ۳۲۳ ۳۲۴ ۳۲۵ ۳۲۶ ۳۲۷ ۳۲۸ ۳۲۹ ۳۳۰ ۳۳۱ ۳۳۲ ۳۳۳ ۳۳۴ ۳۳۵ ۳۳۶ ۳۳۷ ۳۳۸ ۳۳۹ ۳۴۰ ۳۴۱ ۳۴۲ ۳۴۳ ۳۴۴ ۳۴۵ ۳۴۶ ۳۴۷ ۳۴۸ ۳۴۹ ۳۵۰ ۳۵۱ ۳۵۲ ۳۵۳ ۳۵۴ ۳۵۵ ۳۵۶ ۳۵۷ ۳۵۸ ۳۵۹ ۳۶۰ ۳۶۱ ۳۶۲ ۳۶۳ ۳۶۴ ۳۶۵ ۳۶۶ ۳۶۷ ۳۶۸ ۳۶۹ ۳۷۰ ۳۷۱ ۳۷۲ ۳۷۳ ۳۷۴ ۳۷۵ ۳۷۶ ۳۷۷ ۳۷۸ ۳۷۹ ۳۸۰ ۳۸۱ ۳۸۲ ۳۸۳ ۳۸۴ ۳۸۵ ۳۸۶ ۳۸۷ ۳۸۸ ۳۸۹ ۳۹۰ ۳۹۱ ۳۹۲ ۳۹۳ ۳۹۴ ۳۹۵ ۳۹۶ ۳۹۷ ۳۹۸ ۳۹۹ ۴۰۰ ۴۰۱ ۴۰۲ ۴۰۳ ۴۰۴ ۴۰۵ ۴۰۶ ۴۰۷ ۴۰۸ ۴۰۹ ۴۱۰ ۴۱۱ ۴۱۲ ۴۱۳ ۴۱۴ ۴۱۵ ۴۱۶ ۴۱۷ ۴۱۸ ۴۱۹ ۴۲۰ ۴۲۱ ۴۲۲ ۴۲۳ ۴۲۴ ۴۲۵ ۴۲۶ ۴۲۷ ۴۲۸ ۴۲۹ ۴۳۰ ۴۳۱ ۴۳۲ ۴۳۳ ۴۳۴ ۴۳۵ ۴۳۶ ۴۳۷ ۴۳۸ ۴۳۹ ۴۴۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹ ۴۵۰ ۴۵۱ ۴۵۲ ۴۵۳ ۴۵۴ ۴۵۵ ۴۵۶ ۴۵۷ ۴۵۸ ۴۵۹ ۴۶۰ ۴۶۱ ۴۶۲ ۴۶۳ ۴۶۴ ۴۶۵ ۴۶۶ ۴۶۷ ۴۶۸ ۴۶۹ ۴۷۰ ۴۷۱ ۴۷۲ ۴۷۳ ۴۷۴ ۴۷۵ ۴۷۶ ۴۷۷ ۴۷۸ ۴۷۹ ۴۸۰ ۴۸۱ ۴۸۲ ۴۸۳ ۴۸۴ ۴۸۵ ۴۸۶ ۴۸۷ ۴۸۸ ۴۸۹ ۴۹۰ ۴۹۱ ۴۹۲ ۴۹۳ ۴۹۴ ۴۹۵ ۴۹۶ ۴۹۷ ۴۹۸ ۴۹۹ ۵۰۰ ۵۰۱ ۵۰۲ ۵۰۳ ۵۰۴ ۵۰۵ ۵۰۶ ۵۰۷ ۵۰۸ ۵۰۹ ۵۱۰ ۵۱۱ ۵۱۲ ۵۱۳ ۵۱۴ ۵۱۵ ۵۱۶ ۵۱۷ ۵۱۸ ۵۱۹ ۵۲۰ ۵۲۱ ۵۲۲ ۵۲۳ ۵۲۴ ۵۲۵ ۵۲۶ ۵۲۷ ۵۲۸ ۵۲۹ ۵۳۰ ۵۳۱ ۵۳۲ ۵۳۳ ۵۳۴ ۵۳۵ ۵۳۶ ۵۳۷ ۵۳۸ ۵۳۹ ۵۴۰ ۵۴۱ ۵۴۲ ۵۴۳ ۵۴۴ ۵۴۵ ۵۴۶ ۵۴۷ ۵۴۸ ۵۴۹ ۵۵۰ ۵۵۱ ۵۵۲ ۵۵۳ ۵۵۴ ۵۵۵ ۵۵۶ ۵۵۷ ۵۵۸ ۵۵۹ ۵۶۰ ۵۶۱ ۵۶۲ ۵۶۳ ۵۶۴ ۵۶۵ ۵۶۶ ۵۶۷ ۵۶۸ ۵۶۹ ۵۷۰ ۵۷۱ ۵۷۲ ۵۷۳ ۵۷۴ ۵۷۵ ۵۷۶ ۵۷۷ ۵۷۸ ۵۷۹ ۵۸۰ ۵۸۱ ۵۸۲ ۵۸۳ ۵۸۴ ۵۸۵ ۵۸۶ ۵۸۷ ۵۸۸ ۵۸۹ ۵۹۰ ۵۹۱ ۵۹۲ ۵۹۳ ۵۹۴ ۵۹۵ ۵۹۶ ۵۹۷ ۵۹۸ ۵۹۹ ۶۰۰ ۶۰۱ ۶۰۲ ۶۰۳ ۶۰۴ ۶۰۵ ۶۰۶ ۶۰۷ ۶۰۸ ۶۰۹ ۶۱۰ ۶۱۱ ۶۱۲ ۶۱۳ ۶۱۴ ۶۱۵ ۶۱۶ ۶۱۷ ۶۱۸ ۶۱۹ ۶۲۰ ۶۲۱ ۶۲۲ ۶۲۳ ۶۲۴ ۶۲۵ ۶۲۶ ۶۲۷ ۶۲۸ ۶۲۹ ۶۳۰ ۶۳۱ ۶۳۲ ۶۳۳ ۶۳۴ ۶۳۵ ۶۳۶ ۶۳۷ ۶۳۸ ۶۳۹ ۶۴۰ ۶۴۱ ۶۴۲ ۶۴۳ ۶۴۴ ۶۴۵ ۶۴۶ ۶۴۷ ۶۴۸ ۶۴۹ ۶۵۰ ۶۵۱ ۶۵۲ ۶۵۳ ۶۵۴ ۶۵۵ ۶۵۶ ۶۵۷ ۶۵۸ ۶۵۹ ۶۶۰ ۶۶۱ ۶۶۲ ۶۶۳ ۶۶۴ ۶۶۵ ۶۶۶ ۶۶۷ ۶۶۸ ۶۶۹ ۶۷۰ ۶۷۱ ۶۷۲ ۶۷۳ ۶۷۴ ۶۷۵ ۶۷۶ ۶۷۷ ۶۷۸ ۶۷۹ ۶۸۰ ۶۸۱ ۶۸۲ ۶۸۳ ۶۸۴ ۶۸۵ ۶۸۶ ۶۸۷ ۶۸۸ ۶۸۹ ۶۹۰ ۶۹۱ ۶۹۲ ۶۹۳ ۶۹۴ ۶۹۵ ۶۹۶ ۶۹۷ ۶۹۸ ۶۹۹ ۷۰۰ ۷۰۱ ۷۰۲ ۷۰۳ ۷۰۴ ۷۰۵ ۷۰۶ ۷۰۷ ۷۰۸ ۷۰۹ ۷۱۰ ۷۱۱ ۷۱۲ ۷۱۳ ۷۱۴ ۷۱۵ ۷۱۶ ۷۱۷ ۷۱۸ ۷۱۹ ۷۲۰ ۷۲۱ ۷۲۲ ۷۲۳ ۷۲۴ ۷۲۵ ۷۲۶ ۷۲۷ ۷۲۸ ۷۲۹ ۷۳۰ ۷۳۱ ۷۳۲ ۷۳۳ ۷۳۴ ۷۳۵ ۷۳۶ ۷۳۷ ۷۳۸ ۷۳۹ ۷۴۰ ۷۴۱ ۷۴۲ ۷۴۳ ۷۴۴ ۷۴۵ ۷۴۶ ۷۴۷ ۷۴۸ ۷۴۹ ۷۵۰ ۷۵۱ ۷۵۲ ۷۵۳ ۷۵۴ ۷۵۵ ۷۵۶ ۷۵۷ ۷۵۸ ۷۵۹ ۷۶۰ ۷۶۱ ۷۶۲ ۷۶۳ ۷۶۴ ۷۶۵ ۷۶۶ ۷۶۷ ۷۶۸ ۷۶۹ ۷۷۰ ۷۷۱ ۷۷۲ ۷۷۳ ۷۷۴ ۷۷۵ ۷۷۶ ۷۷۷ ۷۷۸ ۷۷۹ ۷۸۰ ۷۸۱ ۷۸۲ ۷۸۳ ۷۸۴ ۷۸۵ ۷۸۶ ۷۸۷ ۷۸۸ ۷۸۹ ۷۹۰ ۷۹۱ ۷۹۲ ۷۹۳ ۷۹۴ ۷۹۵ ۷۹۶ ۷۹۷ ۷۹۸ ۷۹۹ ۸۰۰ ۸۰۱ ۸۰۲ ۸۰۳ ۸۰۴ ۸۰۵ ۸۰۶ ۸۰۷ ۸۰۸ ۸۰۹ ۸۱۰ ۸۱۱ ۸۱۲ ۸۱۳ ۸۱۴ ۸۱۵ ۸۱۶ ۸۱۷ ۸۱۸ ۸۱۹ ۸۲۰ ۸۲۱ ۸۲۲ ۸۲۳ ۸۲۴ ۸۲۵ ۸۲۶ ۸۲۷ ۸۲۸ ۸۲۹ ۸۳۰ ۸۳۱ ۸۳۲ ۸۳۳ ۸۳۴ ۸۳۵ ۸۳۶ ۸۳۷ ۸۳۸ ۸۳۹ ۸۴۰ ۸۴۱ ۸۴۲ ۸۴۳ ۸۴۴ ۸۴۵ ۸۴۶ ۸۴۷ ۸۴۸ ۸۴۹ ۸۵۰ ۸۵۱ ۸۵۲ ۸۵۳ ۸۵۴ ۸۵۵ ۸۵۶ ۸۵۷ ۸۵۸ ۸۵۹ ۸۶۰ ۸۶۱ ۸۶۲ ۸۶۳ ۸۶۴ ۸۶۵ ۸۶۶ ۸۶۷ ۸۶۸ ۸۶۹ ۸۷۰ ۸۷۱ ۸۷۲ ۸۷۳ ۸۷۴ ۸۷۵ ۸۷۶ ۸۷۷ ۸۷۸ ۸۷۹ ۸۸۰ ۸۸۱ ۸۸۲ ۸۸۳ ۸۸۴ ۸۸۵ ۸۸۶ ۸۸۷ ۸۸۸ ۸۸۹ ۸۹۰ ۸۹۱ ۸۹۲ ۸۹۳ ۸۹۴ ۸۹۵ ۸۹۶ ۸۹۷ ۸۹۸ ۸۹۹ ۹۰۰ ۹۰۱ ۹۰۲ ۹۰۳ ۹۰۴ ۹۰۵ ۹۰۶ ۹۰۷ ۹۰۸ ۹۰۹ ۹۱۰ ۹۱۱ ۹۱۲ ۹۱۳ ۹۱۴ ۹۱۵ ۹۱۶ ۹۱۷ ۹۱۸ ۹۱۹ ۹۲۰ ۹۲۱ ۹۲۲ ۹۲۳ ۹۲۴ ۹۲۵ ۹۲۶ ۹۲۷ ۹۲۸ ۹۲۹ ۹۳۰ ۹۳۱ ۹۳۲ ۹۳۳ ۹۳۴ ۹۳۵ ۹۳۶ ۹۳۷ ۹۳۸ ۹۳۹ ۹۴۰ ۹۴۱ ۹۴۲ ۹۴۳ ۹۴۴ ۹۴۵ ۹۴۶ ۹۴۷ ۹۴۸ ۹۴۹ ۹۵۰ ۹۵۱ ۹۵۲ ۹۵۳ ۹۵۴ ۹۵۵ ۹۵۶ ۹۵۷ ۹۵۸ ۹۵۹ ۹۶۰ ۹۶۱ ۹۶۲ ۹۶۳ ۹۶۴ ۹۶۵ ۹۶۶ ۹۶۷ ۹۶۸ ۹۶۹ ۹۷۰ ۹۷۱ ۹۷۲ ۹۷۳ ۹۷۴ ۹۷۵ ۹۷۶ ۹۷۷ ۹۷۸ ۹۷۹ ۹۸۰ ۹۸۱ ۹۸۲ ۹۸۳ ۹۸۴ ۹۸۵ ۹۸۶ ۹۸۷ ۹۸۸ ۹۸۹ ۹۹۰ ۹۹۱ ۹۹۲ ۹۹۳ ۹۹۴ ۹۹۵ ۹۹۶ ۹۹۷ ۹۹۸ ۹۹۹ ۱۰۰۰

ظلم عمل است.

حکایت (۶) باب اول. ص. ۷۲: پادشاهی کو روا دارد ستم بر زیر دست دوستدارش روز سختی دشمن زور آورست
ستم عمل است.

حکایت (۱۷) باب اول. ص. ۱۰۰: آهنگ خدمتش کردم دربانم رها نکرد و جفا کرد و معذورش داشتم
ستم عمل است.

حکایت (۲۴) باب اول. ص. ۱۱۵: آن را که بجای تست هر دم کرمی عذرش بنه، ار کند بعمری ستمی
ستم عمل است.

حکایت (۲۷) باب اول. ص. ۱۲۲: نشنیده‌ای که چه گفت آنکه از پرورده خویش جفا دید؟
جفا شیء است.

حکایت (۲۳) باب دوم. ص. ۱۸۷: طاقت جور زبانها نیاورد و شکایت پیش پیر طریقت برد.
جور نیرو است.

حکایت (۸) باب سوم. ص. ۲۵۱: ترک احسان خواجه اولیتر کاحتمال جفای بوابان (دربان، نگهبان)
بتمنای گوشت، مردن به که تقاضای زشت قصابان
جفا نیرو است.

حکایت (۹) باب پنجم. ص. ۳۵۳: هر که بی او بسر نشاید برد گر جفائی کند، ببااید برد
جفا عمل است.

حکایت (۱۴) باب پنجم. ص. ۳۶۸: نه ما را در میان عهد و وفا بود؟ جفا کردی و بدعهدی نمودی

جفا عمل است.

حکایت (۱۷) باب پنجم. ص. ۳۷۵: (دو مورد) معلمت همه شوخی و دلبری آموخت جفا و ناز

و عتاب و ستمگری آموخت

جفا درس است.

ستمگری درس است.

حکایت (۲) باب ششم. ص. ۴۱۸: (دو مورد) جور و جفا میدید و رنج و عنا میکشید و شکر

نعمت حق همچنان میگفت

جور شیء است.

جفا شیء است.

حکایت (۳) باب هفتم. ص. ۴۳۶: استاد را گفت که پسران آحاد رعیت را چندین جفا و

توبیخ روا نمیداری که فرزند مرا؛ سبب چیست

جفا عمل است.

حکایت (۴) باب هفتم. ص. ۴۴۰: جمعی پسران پاکیزه و دختران دوشیزه بدست جفای او

گرفتار

جفا زندان است.

حکایت (۱۶) باب هفتم. ص. ۴۶۴: شکر نعمت باری، تعالی، بجای آر و چندین جفا بر وی

مپسند نباید که فردای قیامت به از تو باشد و شرمساری بری

جفا ماده است.

حکایت (۸) باب هشتم. ص. ۵۲۱: رحم آوردن بر بدان ستمست بر نیکان

ستم نیرو است.

حکایت (۸) باب هشتم. ص. ۵۲۱: عفو کردن از ظالمان جورست بر درویشان

جور عمل است.

۷. نتیجه گیری

ستم در مینوی خرد، مفاهیمی مانند «جور»، «ظلم»، «ستم»، «جفا» و «نیروی متعلق به اهریمن» دارد. در گلستان سعدی، ستم در معنای «جور»، «جفا» و «ستم» آمده است. از نظر استعاره مفهومی، [ستم عمل است] با ۴۵٪ رخداد در گلستان سعدی و ۴۰٪ رخداد در مینوی خرد پرکاربردترین نام نگاشت است. (← نمودار ۳-۸ و ۴-۸)

[ستم عمل است] و [ستم نیرو است] در هر دو متن مشترک بود.

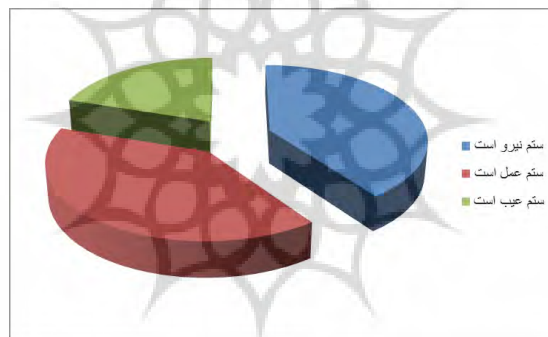
[ستم عیب است] فقط در مینوی خرد و [ستم شیء است]، [ستم درس است]، [ستم ماده است]، [ستم زندان است]، [ستم شغل است] فقط در گلستان سعدی مشاهده شد.

ستم مفهومی است که هم از منظر فلسفی و هم از منظر اجتماعی، سیاسی و اخلاقی در اندیشه بشری و در متون نگاشته شده (به جا مانده) از فعالیت فکری آدمی، عنوان گردیده است. تعریف و درک و فهم مفهوم ستم بسته به اینکه، نخست در چه دوره تاریخی و افق تاریخی و بر اساس کدام گفتمان مطرح شده و دوم از این منظر که با توجه به کدام وجه از این امر، یعنی وجه سیاسی یا وجه اجتماعی و جز این، مطرح شده، تاحدودی تفاوت داشته است. اما به طور کلی به نظر می‌رسد که ستم به مثابه امری مذموم انگاشته می‌شده است، اما نوع تلقی از مفهوم ستم و نحوه ظهور آن بسته به عالم و افق تاریخی و شرایط اجتماعی که وجود داشته، تفاوت‌هایی پیدا کرده است. در مورد دو کتاب مینوی خرد و گلستان سعدی نیز می‌توان این نکات را مطرح کرد. مینوی خرد کتابی است که به افق عهد ایران باستان تعلق دارد در حالیکه گلستان سعدی به عالم ایرانی - اسلامی و جامعه زمین‌داری سنتی و کم و بیش پیچیده‌تر در قرن هفتم هجری. به نظر می‌رسد که این تفاوت‌ها در نحوه توجه کردن به تفاوت‌های مفهومی ستم در این دو کتاب تأثیرگذار بوده است. پیچیدگی بیشتر جامعه ایران در قرن هفتم هجری یعنی دورانی که گلستان سعدی نوشته شده نسبت به جامعه ایران دوره ساسانی و زمانی که مینوی خرد جمع آوری و آماده شده، سبب گردیده که توجه به وجه اجتماعی و کارکردی و تمدنی ستم در گلستان در مقایسه با مینوی خرد، بیشتر باشد. به عنوان مثال در گلستان مفهوم «ستم» در معنی «زندان» و به عنوان «شغل» به کار رفته، اما در مینوی خرد چنین موردی رخ نداده است. به این مفهوم که ستمگری اجتماعی و سیاسی در جامعه قرن هفتم هجری ایران صورت عینی‌تر و فعلیت‌یافته‌تری پیدا کرده و خود را در هیئت زندان و نیز در هیئت مشاغل حکومتی نشان داده

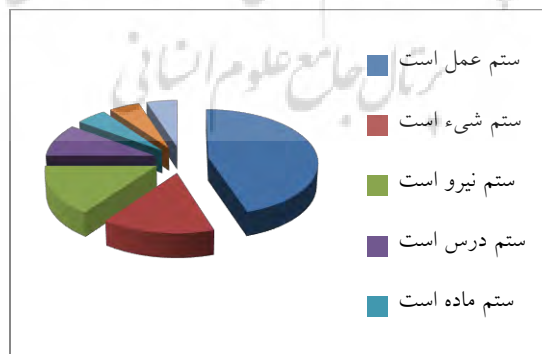
است. در حالی که به نظر می آید کارکرد حیات اجتماعی و نیز ساختار حکومتی ایران، در دورانی که مینوی خرد گردآوری و متن نهایی آن تدوین شده، از پیچیدگی کمتری برخوردار بوده و در واقع کمتر خود را در قالب ساختار حکومتی و افراد دارای مناسب حکومتی و به عنوان «شغل» و یا در قالب ساختاری به عنوان «زندان» ارائه کرده است. مقصود این نیست که دورانی که مینوی خرد تدوین شده، ظلم وجود نداشته است، بلکه به نظر می رسد پیچیدگی و گستره ظهور ستم و ظلم در قالب یک ساختار منسجم مانند «زندان» و به تبع آن بازتابش در مفهوم ادبیات به نسبت آنچه در گلستان سعدی وجود دارد، کمتر بوده است.

۸. ضمایم (نمودارها و جدول ها)

نمودار ۱-۸: استعاره مفهومی ستم در مینوی خرد (تهیه و تنظیم نگارنده)

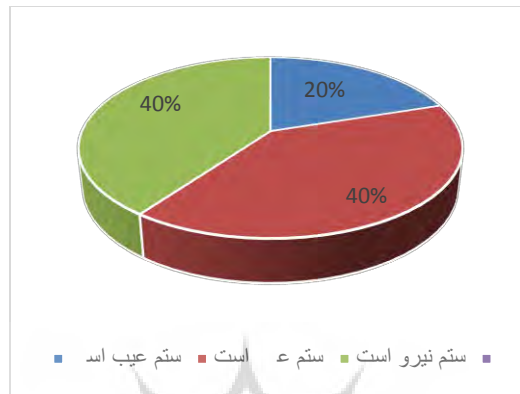


نمودار ۲-۸: استعاره مفهومی ستم در گلستان سعدی (تهیه و تنظیم نگارنده)

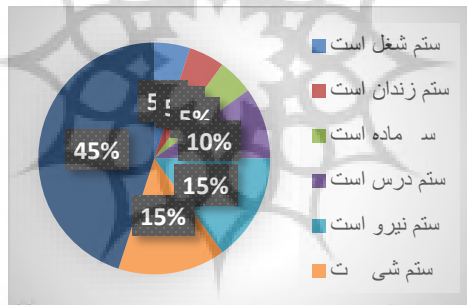


مقایسه استعاره مفهومی ردیلت اخلاقی «ستم» در متون فارسی میانه و فارسی دری ۴۵

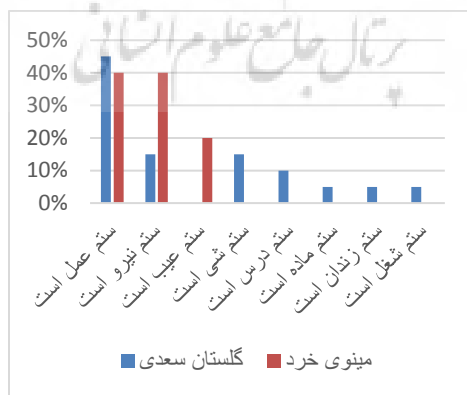
نمودار ۳-۸: نام نگاشت‌های استعاره مفهومی ستم در مینوی خرد به درصد (تهیه و تنظیم نگارنده)



نمودار ۴-۸: نام نگاشت‌های استعاره مفهومی ستم در گلستان سعدی به درصد (تهیه و تنظیم نگارنده)



نمودار ۵-۸: مقایسه درصدی استعاره مفهومی ستم در مینوی خرد و گلستان سعدی (تهیه و تنظیم نگارنده)



کتابنامه

- افراشی، آ. (۱۳۹۵). *مبانی معناشناسی شناختی*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. پرتوی، آ. (۱۴۰۲). مقایسه استعاره مفهومی فضیلت اخلاقی راستی در متون فارسی میانه و فارسی دری (مقایسه موردی: مینوی خرد و گلستان سعدی). *پژوهشنامه فرهنگ و زبانهای باستانی*، ۴(۱)، ۲۱-۳۸.
- پرتوی، آ؛ سعادت‌نیا، س. و حاجی‌پور، ن. (۱۳۹۸). استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه. *پژوهش‌های بین رشته‌ای ادبی*، ۱(۱)، ۱۶-۳۶.
- پرتوی، آ؛ قاسمی، ح. و باقرزاده کاسمانی، م. (۱۴۰۰ الف). تحلیل استعاره نیکی در مینوی خرد و گلستان سعدی، با رویکرد شناختی. *کهن‌نامه ادب پارسی*، ۱۲(۱)، ۷۷-۱۰۶.
- پرتوی، آ؛ قاسمی، ح. و باقرزاده کاسمانی، م. (۱۴۰۰ ب). مقایسه استعاره مفهومی دشمنی در متون فارسی میانه و فارسی دری (مقایسه موردی: مینوی خرد و گلستان سعدی). *مطالعات زبان فارسی*، ۴(۷)، ۱۹-۳۴.
- تفضلی، ا. (۱۳۵۴). مینوی خرد. بنیاد فرهنگ ایران.
- ثقفی، ع. (۱۳۹۶). *تحول تاریخی استعاره‌های مفهومی شجاعت در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای* [رساله دکتری]. دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
- حامدی شیروان، ز. و شریفی، ش. (۱۳۹۴). بررسی استعاره‌های شناختی و مدل شناختی خشم و کینه در پنج داستان از شاهنامه فردوسی. *مجموعه مقالات همایش مخاطب‌شناسی شاهنامه و شعر حماسی فارسی* (صص ۳۴-۵۷). دانشگاه فردوسی مشهد، گروه ادبیات و علوم انسانی.
- دالوند، ی. (۱۳۹۹). مینوی خرد (آوانویسی، ترجمه فارسی و واژه‌نامه؛ با مقدمه س. شمیسا). سده. دیلمقانی، س. (۱۳۹۵). بررسی تاریخی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی: متن *سمک عیار*. نخستین همایش ملی معناشناسی شناختی (به کوشش آ. افراشی، صص. ۷۷-۵۵). نویسه پارسی.
- رستم‌بیک تفرشی، آ. و عارف امیری، م. (۱۳۹۸). تحلیل انتقادی استعاره عشق در ترانه‌های فارسی: رهیافتی پیکره‌ای. *زبان پژوهی*، ۱۱(۳۰)، ۷۳-۹۸.
- سراج، ا. و محمودی بختیاری، ب. (۱۳۹۷). استعاره‌های مفهومی حوزه اخلاق در شاهنامه فردوسی: رویکردی شناختی. *پژوهشنامه اخلاق*، ۱۱(۴۰)، ۱۲۷-۱۴۲.
- سعدی شیرازی. (۱۳۷۴). *گلستان سعدی* (به کوشش خ. خطیب رهبر). صفی علی‌شاه.

مقایسه استعاره مفهومی ردیلت اخلاقی «ستم» در متون فارسی میانه و فارسی دری ... ۴۷

شریفی مقدم، آ؛ آزادخواه، م. و ابوالحسنی زاده، و. (۱۳۹۶). مقایسه استعاره‌های مفهومی غم و شادی در اشعار پروین اعتصامی. *زبان پژوهشی*، ۱۱ (۳۰)، ۱۷۹-۲۰۲.
صفوی، ک. (۱۳۸۳). *از زبان‌شناسی به ادبیات: نظم (جلد ۱)*. سوره مهر.
فضائی، م. و ابراهیمی، ش. (۱۳۹۳). بررسی استعاره مفهومی احساس «غم» در شعر مسعود سعد سلمان. *فصل‌نامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی*، ۴ (۱۳)، ۶۵-۸۰.

<https://civilica.com/doc/1279576>

قاسمی، آ. (۱۳۹۴). *بررسی استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های تصویری واژه غم در اشعار فریدون مشیری* [پایان نامه کارشناسی ارشد]. دانشگاه فردوسی مشهد.

قاسمی، ج؛ عارف امیری، م. ج؛ حاجی پور، ن؛ پرتوی، آ. (۱۳۹۶). استعاره مفهومی «غم» در اشعار ملاعلی فاخر. *همایش ملی ملاعلی و شیخ آقا حسن فاخری* [۱۳۹۶، چالوس] (ج. ۲، صص. ۲۷-۵۰). شلفین.
قوچانی، ب؛ افراشی، آ. و عاصی، م. (۱۳۹۵). استعاره‌های حوزه مفهومی ترس در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای. *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی معنی‌شناسی شناختی (به کوشش آ. افراشی؛ صص. ۲۰۱-۲۲۶)*. نویسه پارسی.

کوشکی، ف. (۱۳۹۸). *مفهوم‌سازی «عشق و نفرت» در زبان فارسی: رویکردی شناختی، در زمانی و پیکره‌ای* [رساله دکتری]. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مصاحب، غ. ح. (۱۳۵۶). *دائرةالمعارف فارسی (ج ۲)*. شرکت کتاب‌های جیبی فرانکلین.
ملکیان، م. و ساسانی، ف. (۱۳۹۳). مفهوم‌سازی خشم در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۶ (۲)، ۳۷-۵۶.

مولودی، ا. س؛ کریمی دوستان، غ. ح. و بی‌جن‌خان، م. (۱۳۹۴). *کاربست رویکرد پیکره بنیاد تحلیل الگوی استعاری در زبان فارسی: مطالعه حوزه مقصد خشم. پژوهش‌های زبانی*، ۶ (۱)، ۹۹-

۱۱۸. magiran.com/p1507486

Afrashi, A. (2016). *Introducing cognitive semantics*. Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]

Anklesaria, T.D. (1913). *Dânâk-u Mainyô-I khard*. Bombay

Dalvand, Y. (2020), *Mēnōg ī xrad* (C. Shamisa, Introduction). Sadeh. [In Persian]

Deylamqani, S. (2016). Historical study of conceptual metaphors in Persian language: Samak Ayyar text. In A. Afrashi, (Ed). *Proceedings of the first national conference on cognitive semantics* (pp. 55-77). Neveeseh Parsi. [In Persian]

- Fazayeli, M.; Ebrahimi, Sh. (2014). Examining the conceptual metaphors of the feeling of "sadness" in the poetry of Masoud Saad Salman. *Journal of Studies in Lyrical Language and Literature*, 4(13), 65- 80. [In Persian]
- Ghasemi, A. (2015). *Examining conceptual metaphors and pictorial schemas of the word grief in Fereydoun Moshiri's poems* [Master's thesis]. Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
- Ghasemi, H.; Aref Amiri, M.; Hajipour, N., & Partovi, A. (2017). The conceptual metaphor of "sorrow" in the poems of Mullah Ali Fakher. *A collection of selected articles of the national conference of Mullah Ali and Sheikh Agha Hassan Fakheri* (Vol. 2; pp. 27-50). Shelfin. [In Persian]
- Ghoochani B.; Afrashi, A. & Asi, M. (2016). Conceptual metaphors in the field of fear: in Persian language: A cognitive and physical approach. In A. Afrashi (Ed.). *Proceedings of the first cognitive semantics conference* (pp. 201-226). Neveeseh Parsi. [In Persian]
- Hamedi Shirvan, Z. & Sharifi, Sh. (2015). Investigation of cognitive metaphors and cognitive model of anger and resentment in five stories from Ferdowsi's Shahnameh. *A collection of articles from the Shahnameh and Persian epic poetry conference*. Faculty of Literature and Human Sciences, Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
- Jäkel, O. (2002). *Hypotheses revisited: The cognitive theory of metaphor applied to religious texts*. *Metaphorik. De*, 2(1), (pp 20-42).
- Kooshki, F. (2019). *Conceptualization of "Love and Hate" in Persian language: a cognitive, temporal and corporeal approach* [PhD Thesis]. Institute for Humanities and cultural studies. [In Persian]
- Kovecses, Z. (2010). *Metaphor: A practical introduction*. Oxford University Press.
- Lakoff, G. (1993). The contemporary theory of metaphor. In A. Ortony (Ed.). *Metaphor and thought* (pp. 202–251). Cambridge University Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). The metaphorical structure of the human conceptual system. *Cognitive science*, 4(2), 195-208.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (2003). *Metaphors we live by*. The University of Chicago Press.
- Malekian, M. & Sasani, F. (2014), Conceptualization of anger in Persian language. *Researches in Linguistics*, 6(2), 37-56. [In Persian]
- Moloodi, A. S.; Karimi Doostan, G. H. & Bijankhan, M. (2015). The application of corpus-based method of metaphorical pattern analysis to Persian language: The

- study of anger target domain, *Language Research*, 6(1), 99-118. doi.org/10.22059/jolr.2015.56645 [In Persian]
- Montgomery, M., Durant, A., Fabb, N., Furniss, T., & Mills, S. (2007). *Ways of reading: Advanced reading skills for students of English literature*. Routledge.
- Moradi, M. R. & Pirzad Mashak, Sh. (2013). A comparative and contrastive study of sadness conceptualization in Persian and English. *English Linguistic Research*, 2(1), 107-112.
- Mosaheb Gh. H. (1977) *The Persian encyclopedia* (Vol. 2). Pocket Books Joint Stock Company. [In Persian]
- Partovi, A. (2023). Comparison of the conceptual metaphor of the moral virtue of "Truth" in Middle Persian and Dari Persian texts (Case comparison: *menog I xrad* and *Golestan Saadi*). *Ancient Culture and Languages*, 4(1), 21-38. doi: 10.22034/aclr.2023.2016686.1092 [In Persian]
- Partovi, A., Ghasemi, H., & Bagherzadeh Kasmani, M. (2021a). Analysis of goodness metaphor in *Menog-ī-Xerad* and *Golestan-e-Sa'di* using cognitive approach. *Classical Persian Literature*, 12(1), 73-101. doi: 10.30465/CPL.2021.5794 [In Persian]
- Partovi, A., Ghasemi, H. & Bagherzadeh kasmani, M. (2021b). A comparison of conceptual metaphor of animosity in Middle Persian texts and Dari Persian (A case comparison: *Minooye Kherad* and *Gulistan*), *Persian Language Studies*, 4(7), 19-34. doi: 4/jshd.2021.271207.1063 [In Persian]
- Partovi, A., Saadatinia, S. & hajipour, N. (2019). Conceptual methaphor of grief in Marsiyah and Habsieh poems. *Literary Interdisciplinary Research*, 1(1), 16-36. doi.org/10.30465/lir.2019.4184 [In Persian]
- Rostambeik Tafreshi, A., & Aref Amiri, M. (2018). Critical analysis of love metaphor in Persian lyrics: A corpus-based approach. *Zabanpazhuhi*, 11(30), 73-98. doi: 10.22051/jlr.2018.15079.1320 [In Persian]
- Sa'di Shirazi. (1995). *Golestan Sa'di* (Khatib Rahbar, Kh. Ed). Tehran. Safi Ali Shah. [In Persian]
- Safavi. K. (2004). *From linguistics to literature* (Vol. 1). Sooremehr. [In Persian]
- Seraj, A., & Mahmoodi-Bakhtiari, B. (2018) Conceptual metaphors of ethics in Ferdowsi's *Shahnameh*: A cognitive approach. *Research Quarterly in Islamic Ethics*, 11(40), 127-141. Doi: 20.1001.1.22287264.1397.11.40.7.1 [In Persian]
- Sharifi Moghadam, A.; Azadikhah, M. & Abolhasani, V. (2017) Comparison between sadness and happiness conceptual Metaphors in the songs of Parvin Etesami.

۵۰ دو فصل‌نامه علمی پژوهشی *نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی* سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۳

Language Research, 11(30), 179-202. doi.org/10.22051/jlr.2018.15235.1330

[In Persian]

Tafazzoli, A. (1975). *Mēnōg ī xrad*, Bonyad-e Farhang-e Iran. [In Persian]

